

منطق الطیر عطار

مصطفی ذاکری*

منطق الطیر، عطار (فریدالدین محمد بن ابراهیم نیشابوری).
مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران،
انتشارات سخن، ۱۳۸۲، ۹۰۳ ص (شماره ۱ از مجموعه آثار عطار).

چکیده

منطق الطیر عطار نیشابوری بارها در ایران، هندوستان و اروپا به چاپ رسیده است و پیش از چاپ دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، معتبرین چاپ آن به تصحیح و اهتمام مرحوم دکتر سید صادق گوهرین صورت گرفت که در سال ۱۳۴۲ از جانب بنگاه ترجمه و نشر کتاب، انتشار یافت. به دلیل عدم درک شاخصه‌های زبانی و سبکی شعر عطار، منطق الطیر چاپ مرحوم گوهرین از اغلاط، تصرّفات کاتبان و ضبط‌های نادرست عاری نماند. در سال ۱۳۸۲ دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی پس از سی سال زحمت مداوم بر روی آثار عطار و بررسی کلمه به کلمه و بیت به بیت منطق الطیر و مقایسه آن با سایر اشعار و نوشته‌های عطار و به مقیاس زبان و سبک خود شاعر، به ارائه متنی اصیل و صحیح از منطق الطیر همراه با مقدمه‌ای مبسوط و تعلیقه‌ای روشنگرانه توفیق یافت. در مجلد نخست منطق الطیر چاپ دکتر شفیعی کدکنی، اختلاف نسخه‌ها ذکر گردیده و در مجلد دیگر آن تفاوت ضبط دستنوشته‌های مورد استفاده در تصحیح منطق الطیر ذکر خواهد شد.

*. مدرس دانشگاهها و محقق.

کلید واژه: روش تصحیح، عطار نیشابوری، منطق الطیر، عارفان، صوفیان.

۱. شرح حال عطار

فریدالدین محمد بن ابراهیم بن اسحاق نیشابوری (متوفی ۶۲۷ ه. ق.) از اعظام شعرای عارف است که حدود یک قرن بعد از سنایی (متوفی ۵۲۹ ه. ق.) می‌زیسته و راهی را که او در سرودن اشعار عرفانی گشوده بود ادامه داده است. از میان شاعران عارف یا عارفان شاعر سه تن در قله شرف و شهرت قرار دارند: سنایی، عطار و مولانا جلال‌الدین رومی (متوفی ۶۷۲ ه. ق.). و عطار در میان عرفا و متصوفه مقامی بس رفیع دارد که اشعارش در خانقاه‌ها خوانده می‌شده است. شیخ محمود شبستری (متوفی ۷۲۰ ه. ق.) در ابتدای منظومه گلشن‌راز می‌گوید که بزرگی، سؤالاتی به نظم کرده و فرستاده بود و چون در خانقاه خوانده شد در اویش از من خواستند که پاسخ او را به نظم بدهم ولی من گر چه طبع شعر دارم اما نظم را قالب کوچکی برای معانی می‌دانم و لذا مایل بودم که به نثر جواب دهم و سپس برای توجیه آنکه جواب را به شعر سروده است می‌گوید:

ما از شاعری خود عار ناید که درصد قرن چون عطار ناید
و از اینجا می‌توان منزلت عطار را در نزد عارفان و صوفیان دریافت. و بنابر مشهور، این بیت هم به مولانا منسوب است:

هفت شهر عشق را عطار گشت ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم
علی‌رغم این همه شهرت و حرمت، عجیب است که از زندگی عطار تقریباً هیچ چیز نمی‌دانیم با آنکه بیش از ۶۰ تذکره از عطار یاد کرده‌اند (ص ۵ مقدمه الهی‌نامه نوشته فؤاد روحانی) اما هیچ‌کدام ذکری از احوال شخصی او نکرده‌اند و به مشتی تعریف غالباً اغراق آمیز قناعت نموده‌اند و فقط دولتشاه سمرقندی است که نسبتاً اطلاعات مختصری ذکر کرده است که آن هم آمیخته بر اوهام و خرافات و غلطاتی است که برای تأیید مطالب صحیح آن هم باید از جاهای دیگر تأییدی پیدا کرد. بر حسب نوشته دولتشاه تولد عطار در ۵۲۳ ه. ق بوده است که آن هم بنا به تحقیق آقای شفیع کدکنی (ص ۵۳ منطق الطیر) مشکوک است و شاید صحیح آن ۵۵۳ بوده است. دیگر آنکه عطار به کار دارو فروشی و در جنب آن طبابت مشغول بوده و این شغل را ظاهراً تا آخر عمر داشته است، چنانکه الهی‌نامه و مصیبت‌نامه را در پیری بنا به قول خود او در خسرو نامه،

در همان داروخانه نوشته است (ص ۸ مقدمه فؤاد روحانی؛ گرچه دکتر شفیعی خسرو نامه را از عطار ندانسته‌اند). از مشایخ او، دولتشاه، نجم‌الدین کبری و مجدالدین بغدادی خوارزمی و رکن‌الدین اکاف را نام برده است و گویا طبابت را نزد همین مجدالدین (و احتمالاً پدر خودش) آموخته است. دولتشاه پدر او، شیخ ابراهیم بن اسحاق عطار کدکنی را هم مرید قطب‌الدین حیدر (متوفی ۵۹۷ ه.ق) دانسته است که در این صورت عطار از جانب پدر هم به صوفیه مرتبط بوده است. و نیز می‌گوید عطار ۴۰۰ جلد از کتب صوفیه را مطالعه کرده و ۷۰ سال حکایات این جماعت را جمع کرده که در تذکره الاولیاء منعکس شده است. کتاب‌های بسیار به عطار نسبت داده شده است که حتی برخی تعداد آن را بر ۱۱۴ رسانده‌اند (به عدد سوره‌های قرآن و نیز به تعداد سال‌های عمر عطار برحسب نوشته دولتشاه) ولی همه آنها از او نیست به جز چهار مثنوی (منطق الطیر، الهی‌نامه، اسرار‌نامه و مصیبت‌نامه) و به جز مختارنامه (شامل حدود ۲۳۰۰ رباعی از رباعیات مختار و برگزیده او) و دیوان شعرش (که در چاپ تفضلی دارای ۳۵ درصد اشعار الحاقی است، چنانکه دکتر شفیعی در ص ۳۵ منطق الطیر گفته‌اند) و با این حساب بنا به نظر تحقیقی دکتر شفیعی فقط همین شش کتاب از آثار عطار است و بقیه از دیگران است که اشعار آنها غالباً باعث بدنامی عطار شده و او را به پرگویی و یاوه‌گویی متهم نموده‌اند (منطق الطیر، ص ۳-۲۲). از جالب‌ترین نکات درباره عطار این است که تاریخ مرگ عطار را ۶۸ نویسنده ذکر کرده‌اند که اغلب با هم متغایر است و شامل ۱۶ تاریخ مختلف می‌شود از سال ۵۸۶ تا سال ۶۳۲ ه.ق که از آن میان تاریخ ۶۲۷ از همه بیشتر (۲۹ بار) و سپس تاریخ ۶۱۹ (۷ بار) ذکر شده است و به اقرب احتمالات سال ۶۲۷ از همه درست‌تر است (ص ۱۲، مقدمه فؤاد روحانی و اگر تاریخ تولد او را طبق تحقیق دکتر شفیعی سال ۵۵۳ ه.ق بگیریم عمر او بالغ بر ۷۴ سال می‌گردد. دیوان اشعارش (در چاپ سعید نفیسی) ۱۰۳۴۶ بیت دارد که با احتساب ۲۳۰۰ رباعی مختارنامه و منطق الطیر (۴۷۲۴ بیت) و اسرارنامه (۳۳۰۵ بیت) و الهی‌نامه (۷۲۹۲ بیت) و مصیبت‌نامه (۸۷۸۰ بیت) کلاً اشعار او بالغ بر ۳۹۰۴۷ بیت می‌شود و اینکه اشعار او را بالغ بر صد یا دویست هزار بیت گفته‌اند، به علت محاسبه اشعار کتب دیگری است که از عطار نیست و بی‌جهت بدو منسوب شده است.

غیر از این شش دفتر شعر، کتاب گرانقدر تذکره الاولیاء هم به نثر از عطار است که حاوی شرح حال ۷۲ تن از عرفای نامدار است و تکمله‌ای هم دارد که شامل زندگینامه

۲۵ تن دیگر است (جمعاً ۹۷ تن) و این کتاب اولاً کهن‌ترین تذکره از نوع خود است که به نثر فخیم و زیبای سبک سامانی نوشته شده است با ایجاز تمام و لطف بیان و ثانیاً حاوی اطلاعاتی است که در هیچ‌یک از کتب دیگر یافت نمی‌شود. ضمناً عطار از جمله شاعران معدودی است که مدح هیچ شاه و امیری را نگفته است و به قول خود شاعر درباری نبوده است.

این بود خلاصه تمام مطالبی که در تذکره‌ها و کتب مختلف درباره عطار آمده است و مازاد بر آن شرح برخی خوارق عادات و مطالب زائد و یا مشکوک و یا دور از واقعیت است.

۲. چاپ جدید منطق الطیر

این کتاب نفیس که به همت دکتر شفیع کدکنی منتشر شده است در حقیقت شامل چهار کتاب است در یک کتاب که هر کدام در حد خود کاری است سترگ: اول متن منقح و مهذب کامل منطق الطیر عطار - که به قول دکتر شفیع (ص ۳۴) بعد از مثنوی مولوی هیچ اثری در ادبیات منظوم عرفانی در جهان اسلام به پای آن نمی‌رسد - به صورتی ساده و بی‌هیچ حشو و اضافه‌ای که گمان می‌رود این همان متنی است که به اقرب احتمالات از زیر دست خود شیخ عطار بیرون آمده است و خواننده بی‌آنکه در پیچ و خم حواشی و نسخه بدل‌ها و توضیحات مصحح سر در گم شود می‌تواند آن را مطالعه نماید. چنین کاری از هر کسی ساخته نیست و کسی را می‌رسد که هم از تمام علوم و فنون ادبی آگاه باشد و هم خود اهل ذوق و طبع شعر باشد تا بتواند غث و ثمین و فصیح و رکیک و اصیل و دخیل را از هم جدا کند و به رموز سبک عطار آگاه باشد و این از کمتر کسی ساخته است جز همشهری دانشمند عطار که سال‌ها در آثار او ممارست کرده و به سبک و سیاق سخن صوفیان عصر او پیش از او به خوبی واقف است. هرمان اته (ص ۱۵۶ ترجمه تاریخ ادبیات فارسی) می‌گوید که عطار این کتاب را در ۵۸۳ یا ۵۷۰ هجری نوشته است.

منطق الطیر بارها در ایران و هندوستان و اروپا (مثلاً در پاریس در ۱۸۵۷ م) چاپ شده است، ولی معروف‌ترین و معتبرترین چاپ آن همان بود که مرحوم سید صادق گوهرین از روی چهار نسخه خطی و یک نسخه چاپی (همان چاپ پاریس) تصحیح کرده که در ۱۳۴۲ به وسیله بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر شد. اما این چاپ، رضایت

اهل ادب را کاملاً جلب نکرد، زیرا که در آن غلط‌ها و اشتباهات ادبی مشاهده می‌شد که در برخی از چاپ‌های قبلی - به وسیله ناسخان کتب خطی یا مصححان - آنها را تصحیح و به اصطلاح رفع و رجوع کرده بودند. در صورتی که چاپ گوهرین نخستین کوشش معقولی بوده در راه چاپ متنی مطابق اصل، با همه کاستی‌هایی که احتمالاً داشت. دکتر شفیع با سی سال زحمت مداوم بر روی آثار عطار (ص ۲۰۹) و بررسی کلمه به کلمه و بیت بیت این منظومه و مقایسه آن با سایر اشعار و نوشته‌های عطار و شاعران پیش از او یا معاصر او، صورتی را ارائه کرده است که هم اصیل است و هم صحیح، البته به مقیاس زبان و سبک خود عطار نه موازین ذهنی ادبی کنونی. و ظاهراً ایشان قصد دارند که سایر آثار نظم و نثر عطار را هم به همین شیوه منتشر کنند که امید است خداوند توفیق این کار را بدیشان عطا فرماید و ایشان قبلاً هم مختارنامه عطار را منتشر کرده‌اند.

ای کاش کسانی پیدا می‌شدند که سایر دواوین شعرا و به ویژه شاعران نامدار را به همین طریق تصحیح و چاپ می‌کردند. چاپ جدید از روی ده نسخه خطی و دو نسخه چاپی تصحیح شده است که نسخه‌های مورد استفاده مرحوم گوهرین - به جز نسخه خطی مجلس - از زمره آنهاست.

دوم تعلیقات کتاب (از ص ۲۴۹ تا ص ۷۸۴) شامل شرح لغات مشکله و توضیح برخی تعبیرات و گاهی ریشه کلمات و ذکر مآخذ قصه‌ها و عبارات عربی و مثل‌ها و نکته‌ها به ترتیب ابیات و با ذکر شماره هر بیت که نه تنها برای هر خواننده متوسطی در فهم اشعار کتاب مفید است، بلکه بسیاری از توضیحات آن برای ادبا و فضلا هم سودمند است یا تازگی دارد و حاکی از تحقیقات عمیق مصحح محترم و احاطه ایشان به منابع ادبی و عرفانی و دینی بسیاری است و خلاصه آنکه کار محقق و مطالعه کننده کتاب را یکسره راحت کرده‌اند و ظاهراً هیچ نکته‌ای را فرو گذار نکرده‌اند.

در تعلیقات کتاب همه‌گونه اطلاعاتی می‌توان یافت از قبیل دستوری (مثل بحث نیستی به جای نبودی در ص ۵۵۷) عروض (مثل بحث حذف تاء کلمات هست و نیست در آخر بیت در ص ۵۳۶) لغوی (مانند مهره و حقه ص ۴۴۹، حلقه بر در ص ۴۵۳، یک به یک ص ۴۵۷، جست به معنای آستین یا به معنای گریز ص ۴۶۰، حقه زر به معنای حقه و صندوقچه حاوی زر یا شاید حقه ساخته شده از زر ص ۵۵۴ و حشت به معنای نجاست ص ۵۲۳، تن زدن به معنای سکوت کردن یا شاید خودداری کردن ص ۵۳۷)،

نسخه بدل‌ها (مانند ص ۴۶۰ درباره بیت ۶۹ و ص ۴۶۷ درباره بیت ۱۲۴). مباحث تفسیری و حدیث و روایت (مانند اینکه کرسی چیست ص ۴۷۱ عرشی چیست ص ۴۸۴ و پرده‌های نور ص ۵۳۴)، ریشه‌شناسی (مانند ذکر ریشه قلندر ص ۷۱۸ و سرتق ص ۶۶۲ که اتفاقاً من هم قبلاً متوجه رابطه سرتیز و سرتق از نظر لفظی و سرتیز و کله شق از نظر عضوی شده بودم)، نکات بلاغی (چون بر کسی خندیدن و در کسی خندیدن ص ۵۳۸) و تحقیقات لغوی چون ناکُ ده و جگر سوخته که تازه و جالب است در حالی که گوهرین ناک را از روی فرهنگ معین (معنای سوم) نوعی امرود شیرین یا دانه‌های امرود دانسته که به جگر سوخته تشبیه شده است (ص ۳۶۳) و اگر معنای دوم ناک را در فرهنگ معین در نظر می‌گرفت شاید به نتایج بهتری می‌رسید چنانکه دکتر شفیع رسیده‌اند. ضمناً شماره ابیات در صفحات راست کتاب گاهی افتاده یا نیمه کاره است (یا شاید در نسخه من چنین است مانند صفحات ۲۳۶، ۳۶۶ و ۳۲۰).

اگر متن منطق الطیر - مثلاً چاپ گوهرین - طوری بود که رضایت دکتر شفیع را تأمین می‌کرد ایشان می‌توانستند این تعلیقات را به صورت کتابی جداگانه منتشر سازند، چنانکه دکتر شهیدی در مورد دیوان انوری چنین کرده‌اند. استادانی که بخواهند تمام یا قسمتی از منطق الطیر را در کلاس‌های خود تدریس کنند با مراجعه به این تعلیقات کارشان بسیار سهل خواهد شد. نمایه این تعلیقات (ص ۷۸۹ تا ۸۱۵) دسترسی به محتویات آن را آسان می‌کند.

سوم تهیه کشف الابیات متن (از ص ۸۱۷ تا ۸۸۲) که دسترسی به ابیات مورد نظر را در متن تسهیل می‌کند و محققان و به ویژه فرهنگ نگاران و لغویان با این فهرست می‌توانند به راحتی بیت مورد نظر خود را بیابند. اغلب دواوین و کتب شعر فاقد چنین فهرستی است که گاهی باعث درد سر زیادی می‌شود. مثلاً شاهنامه چاپ مسکو چنین کشف الابیاتی ندارد و از روی کشف الابیات دکتر دبیر سیاقی هم به سختی می‌توان به بیت مورد نظر در آن چاپ دست یافت و استفاده از فرهنگ شاهنامه و لف هم آسان نیست. همچنین گرشاسب نامه اسدی هم نیاز به چنین کشف الابیاتی دارد. اما خمسه نظامی خوشبختانه از این موهبت بهره‌مند شده است. تهیه کشف الابیات خود کاری است جدا و حتی می‌توانست مانند کشف الابیات خمسه جداگانه چاپ شود.

چهارم مقدمه کتاب (از ص ۱۷ تا ص ۲۳۰)، که خود مقاله‌ای است تحقیقی که به جز قسمت مربوط به تصحیح کتاب و وصف نسخه‌های مرجع بقیه آن می‌توانست به

صورت کتابی جدا چاپ شود. این مقدمه شامل مطالب زیر است :

الف - شرح حال عطار و آثار او و تحلیل آنچه در تذکره دولتشاه درباره تاریخ تولد و وفات عطار آمده است و تأیید برخی اظهارات آن با مراجع دیگر و ذکر نام کسانی که به عطار مشهور بوده‌اند (ص ۷۹ تا ۸۸) که شامل نام ۲۴ عطار معاصر شیخ فریدالدین است که ظاهراً غالباً عرب بوده‌اند (به نقل از کتاب التکملة لوفیات النقلة) و پنج عطار دیگر که پیش از شیخ فریدالدین یا معاصر او بوده‌اند و شعر عرفانی سروده‌اند و نیز شرحی از بوطیقای عطار آورده (ص ۸۸ تا ص ۱۰۰) یعنی زبان و لهجه‌ای که عطار در شعر خود به کار برده است و در نتیجه گاهی مغایر قواعد قافیه که در زبان او متداول بوده است گردیده است، مثلاً گرفت را به ضم راء تلفظ می‌کرده است و با گفت قافیه نموده است و همین امر یکی از علل دست بردن ناسخان در متن منطق الطیر و تغییر قوافی آن بوده است. دو تحقیق دیگر هم در این مقدمه آمده است یکی بررسی محتوای منطق الطیر و توضیح رمزهای پرندگان و گلها و اشاره به سوابق منطق الطیر نویسی در ادب فارسی است و دوم شرحی جالب از قصه شیخ صنعان و مأخذ عطار در این مورد هر چه گفتنی بوده است گفته‌اند (ص ۱۸۱ تا ص ۲۰۸).

۳. مهدی حمیدی و شفیع کدکنی

دکتر مهدی حمیدی، استاد دانشگاه تهران، که هم ادیب و هم شاعر زبده‌ای بود، در سال ۱۳۴۵ در مجله یغما سلسله مقالاتی منتشر کرد که بعداً در ۱۳۴۷ تحت عنوان عطار در مثنوی‌های گزیده او و گزیده مثنوی‌های او به صورت کتابی منتشر شده و در این مقالات با زبانی کند و پرخاشجویانه چهار مثنوی معروف عطار (منطق الطیر، اسرارنامه، الهی نامه و مصیبت‌نامه) را زیر تیغ تیز انتقاد گرفت و آنها را کلاً پرگویی و یاوه‌گویی دانست و گفت که عطار با این مثنوی‌ها نخستین ولگردی‌های شعر فارسی را آغاز کرد و به زبانی که چون پلاسی ژنده و مرقع درخور گدایان است، آنها را بیان کرده است (ص ۷) و مداحان او شعر نمی‌شناخته‌اند و مداحی از عطار را ظلم هنری شمرد (ص ۱۱) و قصه‌های او را بی‌مزه و بدون کشش و تطویل بلا طائل (ص ۱۴) و تشریح مسائل عرفانی او را آب در هاون سائیدن خواند (ص ۱۶) و ثنای او را از خدا در حد این بیت دانست (ص ۱۹)

ای قوم سرخار بیابان که کند تیز و آن بره بز را که کند گرد به مَبْعَر

و توصیف او را از خدا خام و کودکانه و منتج به تحقیر ذات خداوند شمرد (ص ۲۳) و همچنین اوصافی که برای پیامبر و یاران و صحابه او ذکر می‌کند همه را نامعقول (ص ۲۳) می‌داند و نمونه‌هایی از اشعار سست عطار را به عنوان مثال ذکر کرده است. سپس در قسمت دوم کتاب هر کدام از چهار مثنوی فوق را اجمالاً معرفی کرده و نشان داده است که آنها خالی از هر محتوای عرفانی نیستند و آنگاه از هر یک از آنها تعدادی بیت را انتخاب کرده و گفته است که اینها بهترین اشعار این مثنوی‌ها هستند. از منطق الطیر ۹۷ بیت (معادل ۲ درصد از کل کتاب)، از اسرارنامه ۱۰۸ بیت (حدود ۳/۲۷ درصد)، از الهی‌نامه ۷۱ بیت (حدود یک درصد) و از مصیبت‌نامه ۱۲۴ بیت (حدود ۱/۴۱ درصد) را آورده است که کلاً بالغ بر ۴۰۰ بیت می‌شود که از میان ۲۴۱۰۱ بیت این چهار مثنوی انتخاب کرده است (معادل ۱/۶۶ درصد کل آنها).

این رساله کوچک و انتشار قبلی مقالات آن در مجله یغما اعتراضاتی را برانگیخت چنانکه برخی به هواداری حمیدی و برخی به مخالفت او برخاستند و این نظریات هم در آخر آن رساله منعکس شده است. از مخالفین هیچکس دامن همت به کمر نزد تا پاسخ مقنع و عالمانه‌ای به حمیدی بدهد و گویی کسی چیزی در چنته نداشت و لذا جز تکفیر و نفرین و دشنام تقریباً چیزی نثار او نکردند.

تقدیر چنان بوده که پاسخ دکتر حمیدی به عهده همشهری عطار، دکتر شفیع کدکنی قرار گیرد که چهل سال بعد بیان کند و انصافاً بسیاری از ایرادهای او را عالمانه پاسخ گفته است، اما افسوس که دیگر حمیدی نیست تا آن را بخواند. اغلب بیت‌های سستی که حمیدی ذکر کرده است، الحاقی و مجعول است و برخی از آنها به قول دکتر شفیع از بوطیقای خاص عطار تبعیت کرده است که آگاهانه بوده و نه از روی غفلت یا بی‌اطلاعی. دکتر شفیع علت افزوده شدن ابیات الحاقی و یا تغییر کلمات را در اشعار عطار، سه امر دانسته است: یکی عدم آشنایی به سبک و لهجه شخصی عطار، دوم تحوّل نظریات عرفانی و نفوذ بیش از حد عقاید پیروان این عربی؛ و سوم گسترش عقاید شیعی در ادوار بعد و تمایل ناسخان و کاتبان، به شیعه نشان دادن عطار. این بحث جالب و عالمانه از همان آغاز مقدمه شروع می‌شود (ص ۱۷) و تا ۱۴ صفحه ادامه می‌یابد (ص ۳۰). البته هنوز برخی از ایرادهای حمیدی باقی مانده است که معلول طرز تفکر عطار و خانقاه نشین‌های قرون وسطی است و شاید هرگز جواب مقنعی بدان‌ها نتوان داد. در اینجا بی‌مناسبت نیست که مثالی از ابیات الحاقی ذکر شود. در موقع نوشتن این مقاله از

جمله‌مراجعی که نگاه کردم کتاب تاریخ ادبیات ایران تألیف رضازاده شفق بود که در شرح حال عطار هنگام شرح مقامات هفتگانه، در مورد مقام حیرت، این بیت را از منطق الطیر نقل کرده است (ص ۱۳۱):

گم شود در راه حیرت محو و مات بی‌خبر از بود خود وز کاینات
با دیدن کلمه «مات» در این بیت به یادم افتاد که من تحقیقی درباره معانی مختلف مات کرده بودم که خلاصه آن در مقاله «ریشه‌شناسی اصطلاحات شطرنج» در نامه انجمن (مفاخر فرهنگی، شماره اول سال سوم ص ۹۹-۹۷) چاپ شده است و در آنجا نوشتم که مات به معنای متحیر و حیران، در فرهنگ‌های فارسی از لغت فرس گرفته تا برهان جامع و انجمن آرای ناصری نیامده است و نخستین بار در فرهنگ استینگاس و فرهنگ نفیسی و فرهنگ نظام و فرهنگ نوبهار دیده می‌شود که همه متعلق به اوائل سده ۱۴ هجری قمری‌اند. حال ناگهان در شعر عطار در منطق الطیر که متعلق به سده ششم هجری است، عبارت «محو و مات» را می‌بینیم و بسیار در تعجب شدم که چگونه کلمه‌ای که در سده ششم هجری در متن معتبری چون منطق الطیر به کار رفته است در هیچ‌یک از فرهنگ‌ها نیامده است و دهخدا هم هیچ شاهدهی برای این معنا ذکر نکرده است، حتی همین بیت منطق الطیر را. اما چون به منطق الطیر (چاپ دکتر شفیع ص ۴۰۷ و چاپ گوهرین ص ۲۱۲) در بخش وادی حیرت مراجعه کردم، این بیت را نیافتم و معلوم شد که این بیت الحاقی است و عجیب‌تر آنکه مات به معنای حیران، خود لغتی جدید است که عمرش شاید به یک سده یا یک سده و نیم هم نمی‌رسد، یعنی این بیت باید در همین اواخر به منطق الطیر افزوده شده باشد و دکتر رضازاده شفق آن را از روی یک چاپ بازاری نقل کرده است.

«کتاب‌هایی از این قبیل را معمولاً یا کسی که به اشعار عرفانی و اخلاقی علاقه‌مند است برای خود مطالعه می‌کند و یا در اویش در خانقاه‌ها با هم می‌خوانند و شیخ یا پیر درباره مفاهیم عرفانی آن توضیحاتی می‌دهد. این قبیل اشخاص به مسائل صوری (وزن، قافیه، ردیف، جناس) و نکات ادبی (مسائل دستوری، مسائل بلاغی و بدیع و امثال آنها) توجهی ندارند و برایشان مهم نیست که مثلاً عطار در فلان بیت چه کلمه‌ای به کار برده است، آنها به مفاهیم توجه می‌کنند و ممکن است پیر که می‌خواند به میل خود یک یا چند بیت هم از خود اضافه کند تا مطلب بهتر به عوام تفهیم شود و چه بسا که این ابیات اضافی را دیگران در متن کتاب وارد کنند و افزودن آنها را عیبی نشمارند. البته اگر

کتاب در محافل ادبی (مثلاً انجمن شعرا) خوانده می‌شد ممکن بود بر سر صحت کلمات و عبارات و مفاهیم آن بحث‌ها درگیرد و در اینجا هم امکان داشت که حاضران تصمیم بگیرند به میل خود کلمه‌ای را که نمی‌پسندند با کلمه‌ی آشناتری عوض کنند، حال اگر عطار آن را نگفته است نگفته باشد و این است که به مرور زمان تغییرات بسیار در این‌گونه کتاب‌ها پیدا می‌شود. در ایام جوانی پیرمردی را می‌دیدم که کاسب بود، با ریشی سفید و قبایی بلند که همیشه در جیب قبایش یک جلد از جام جم اوحدی بود و هر وقت بیکار می‌شد آن را در می‌آورد و مطالعه می‌کرد و از مکرر خواندن آن خسته نمی‌شد. سواد او هم همان بود که در مکتب آموخته بود و گرچه صوفی و درویش نبود، اما مرد با تقوا و پارسایی بود.

او فقط درباره‌ی محتوای کتاب می‌اندیشید و نه درباره‌ی جنبه‌های ادبی و صوری، لذا اگر کسی چند بیت هم اضافه بر آن برایش می‌خواند، خوشوقت می‌شد و می‌خواست در حاشیه‌ی کتاب یادداشت کند.

۴. چند نکته

در این کتاب سترگ از همه جهت سنگ تمام گذاشته شده است و جایی برای خرده‌گیری باقی نگذاشته است. اما دریغ آمد که از ذکر یکی دو نکته خودداری کنم. اول اینکه برای متن منطق الطیر هیچ فهرستی نیامده است. ای کاش فهرست مطالب آن مانند چاپ گوهرین (ص ۷ تا ۱۳ مقدمه) در ابتدای کتاب یا پیش از متن منطق الطیر اضافه می‌گردید. زیرا که مثلاً یافتن وادی‌ها یا حکایت‌ها در کتاب برای یابنده‌ی عجول مثل حقیر مشکل است.

دوم اینکه عناوین مطالب عمدتاً به صورت «فی‌الحکایه» یا «الحکایة و التمثیل» ذکر شده است و شاید مناسب‌تر بود برای هر حکایت عنوانی که حاکی از محتوای آن باشد انتخاب گردد و برای آنکه معلوم باشد این عناوین از اضافات مصحح است و در نسخه‌های اصلی نیست، آنها را در داخل دو ابرو (کروشه) می‌گذاشت تا با یک نگاه موضوع هر حکایت روشن شود و در صورت لزوم آن را مطالعه کنند.

ضمناً در هنگام مراجعه، یکی دو مورد غلط چایی دیدم مثلاً در صفحه ۲۸ سطر آخر حاشیه «عطار در مثنوی‌های گزیده‌ی او ۳۲ - ۳۴» صحیح است و در صفحه ۳۴ سطر چهارم حاشیه «چاپ فؤاد روحانی ۳۰۴ - ۳۰۷» صحیح است، که البته این غلط‌ها در برابر دقتی که در چاپ بی‌غلط کتاب شده است اهمیتی ندارد.